

آذربایجان ایرانی و اقلیت های آذری پراکنده در جهان

باید اعتراف کنیم که استخاله فرهنگی و دینی اقلیت های آذری خارج از ایران، فاجعه ای بزرگ در تاریخ حیات آذری های جهان و ضربه ای جبران ناپذیر بر پیکر اسلام و امت اسلامی است

/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس ایران

آذربایجانی های ایرانی اکثریت آذربایجان جهان را تشکیل می دهند. بررسی وضعیت آذربایجانی که در کشورهای دیگر مانند روسیه، جمهوری آذربایجان، گرجستان، آمریکا، آلمان و سایر کشورها زندگی می کنند، نشان می دهد که آنان در معرض استخاله فرهنگی و دینی قرار دارند و بر خلاف آذربایجان سایر کشورهای جهان که اقلیت آذربایجان دنیا را تشکیل می دهند، آذربایجانی های ایرانی هویت فرهنگی و دینی خود را حفظ کرده اند.

استخاله فرهنگی و دینی اقلیت های آذری جهان، موضوع بسیار مهمی است که تاکنون مورد توجه عمیق قرار نگرفته است. با تأسف بسیار باید اعتراف کنیم که استخاله فرهنگی و دینی اقلیت های آذری جهان، فاجعه ای بزرگ در تاریخ حیات آذری های جهان و ضربه ای جبران ناپذیر بر پیکر اسلام و امت اسلامی است.

هیچ کس نمی تواند این را انکار کند که «اسلام و آذری های جهان» از هم تفکیک ناپذیرند. نگاهی به آثار و تاریخ زندگی شخصیت های الگوی آذربایجان و بزرگانی مانند نظامی گنجوی، ملامحمد فضولی، شاه اسماعیل صفوی، صائب تبریزی، خاقانی شبروانی، مجیر الدین بیلقانی، مقدس اردبیلی، سید محمد حسین شهریار و سایر شخصیت های الگوی آذربایجان نشان می دهد که این بزرگان پرچمداران فرهنگ و تفکر اسلامی بوده اند و با اسلام و فرهنگ مقدس آن زیسته و از حیات و هنر و دانایی و توانایی خویش در جهت ترویج فرهنگ اسلامی بهره جسته اند و در این راه چنان شمع سوخته و روشنایی بخشیده اند.

«استخاله دینی اقلیت های آذری جهان» بدین معناست که آنان به شدت در معرض تهاجم و استخاله ادیان غیر اسلامی مانند مسیحیت و یهودیت و حتی مکتب های استعماری مانند بهائیت قرار گرفته اند. مثلا گزارش های رسیده از جمهوری آذربایجان حاکی از آن است که طی سالهای اخیر حدود بیست هزار نفر از آذربایجان این کشور به مسیحیت گرویده اند. تشکل ها و موسسات مسیحی که از کشورهای غربی وارد این کشور شده و فعالیت می کنند، با سوء استفاده از مشکلات اقتصادی حاکم بر این جمهوری، مسلمانان مستضعف و تهیدست را که در دوران هفتاد ساله استیلای کمونیسم از تعالیم دینی محروم مانده اند و به علت آشنایی سطحی با اسلام توانایی مقابله علمی با مبلغان مسیحی را ندارند، به دین مسیحیت جذب می کنند و با استفاده از شگردهایی مانند پرداخت مقرری ماهانه به این مسلمانان مستضعف و تهیدست، آنان را از دین اسلام رویگردان می کنند.

باید این واقعیت تلخ را بپذیریم که طرح استخاله دینی مسلمانان جمهوری آذربایجان بدون پشتیبانی و حمایت رژیم حاکم بر این کشور تحقق ناپذیر است. با تأسف بسیار باید به این واقعیت زهرآگین نیز اشاره کنیم که رژیم حاکم بر مسلمانان جمهوری آذربایجان یک رژیم لائیک می باشد.

دستگاههای فرهنگی، سیاسی و رسانه های دولت حاکم بر جمهوری آذربایجان، در راستای سیاست های خاص خود، شخصیت چهره های تاریخی و بزرگان آذری را تحریف کرده و از یک فرد ملی به عنوان یک مرد منطقه ای نام می برند. به عنوان مثال شاه اسماعیل صفوی اردبیلی موسس حکومت صفویه را به عنوان فردی ناسیونالیست، نژادپرست و قوم گرا به مردم جمهوری آذربایجان معرفی می شود، در حالی که برای همه مبرهن است شاه اسماعیل صفوی، نخستین دولت بزرگ شیعی را در ایران برپا کرد و پرچم حکومت دینی را برافراشت.

اقلیت های مسلمان آذربایجانی در کشورهایی مانند روسیه، آمریکا، آلمان، سوئد و سایر کشورهای غربی نیز در معرض استخاله دینی قرار دارند. زیرا در کشورهای غربی تبلیغات سنگین و زهر آگین علیه عموم مسلمانان جریان دارد و هر مسلمان که مظاهر به اسلام و دینداری باشد، با اتهامهایی مانند بنیانگرا و خشونت طلب روبرو می شود. به همین علت در فضای فرهنگی، سیاسی و تبلیغاتی این کشورها، مسلمانان و از جمله مسلمانان آذری به اجبار و یا ناخودآگاه برای ادامه زندگی عادی، خود را با شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه ای که در آن زندگی می کنند، منطبق می نمایند و بدین گونه از فرهنگ خود فاصله می گیرند.

در حقیقت استخاله فرهنگی اقلیت های آذری جهان، مقدمه و بستر استخاله فرهنگ، هویت و دین آذربایجان خارج از ایران را فراهم می کند. استخاله فرهنگی اقلیت های آذری که در کشورهای مختلف زندگی می کنند، به معنای حذف تدریجی و نامحسوس عناصر اصیل و اسلامی از فرهنگ آذربایجان و دگرگون کردن طرز تفکر طرز زندگی و رفتار اجتماعی و قومی اقلیت های آذری است.

فرهنگی که بر اقلیت های آذری در سایر کشورها مانند روسیه، آمریکا، گرجستان، جمهوری آذربایجان توسط دولتها حاکم است، فرهنگ غیر اسلامی و مسیحی است. جمهوری آذربایجان حدود هشت میلیون نفر جمعیت دارد که بیش از دو میلیون نفر آن در روسیه زندگی می کنند. در این کشور، فعالیتهای تبلیغاتی و سیاسی تشکل های مسیحی کشورهای بیگانه، جذب شدن افراد مسلمان به مسیحیت، دایر کردن مراکز فساد، انتشار کتابها و مطالب ضد اسلامی آزاد است، اما تبلیغ اسلام، برگزاری مراسمهای عزاداری عاشورا در ملاء عام، دایر کردن مدارس و علوم دینی و پوشیدن لباس روحانیت ممنوع است و مجازات و محروم شدن افراد از حقوق اجتماعی و انسانی خود را در پی دارد.

استخاله فرهنگی اقلیت های آذری در سراسر جهان از سوی دولتهای مسیحی ادامه دارد. علاوه بر فعالیتهای مختلفی که در کشورهای متعدد برای بیگانه کردن اقلیت های آذری از فرهنگ، دین و حتی زبان آذربایجانی صورت می گیرد، بلکه مجهول جلوه دادن تاریخ مشترک آذربایجان و نیز قومیت آنها از جمله اساسی ترین طرحهای لابیهای ضد آذری می باشد. برای مثال می توان از کنگره به اصطلاح آذربایجانیهای جهان نام برد که اولین جلسه آن در جمهوری آذربایجان در سالهای قبل برگزار گردید و موضوعاتی که در آن مطرح گردید نیت ناپاک سردمداران ضد آذری را نشان داد که در این بین سهم جمهوری آذربایجان را نباید فراموش کرد.

از نکاتی که در این کنگره جلب توجه می نمود این بود که، برخی از سخنرانان کنگره که از کشورهای مانند آمریکا و انگلیس دعوت شده بودند، حتی نمی توانستند زبان آذربایجانی را به درستی و روانی صحبت کنند. یعنی رفته رفته حتی با زبان مادری خود نیز بیگانه شده اند! تقریباً هیچ کدام از افراد دعوت شده به کنگره، سخن مثبتی در درباره دین اسلام یا تفکیک ناپذیری اسلام و مسلمانان آذری و یا حداقل مسلمان بودن آذربایجان جهان ابراز نداشتند چرا که اساس کار این کنگره حرکتی در جهت استخاله فرهنگی آذربایجان بوده است. نکته دیگر شایان اهمیت درباره «نخستین کنگره آذربایجانی های جهان» این است که اکثریت آذربایجان جهان را آذربایجان ایرانی تشکیل می دهند، اما با وجود اینکه در میان آذربایجان ایرانی هزاران دانشمند، عالم دینی، نویسنده، روزنامه نگار، سیاستمدار و هنرمند برجسته وجود دارد، هیچ یکی از این دانشمندان و علماء و اهل قلم و سیاست به کنگره مذکور دعوت نشدند. زیرا آذربایجان ایرانی که هویت فرهنگی و دینی اصیل خود را حفظ کرده اند، می توانند به عنوان الگوی آذربایجان جهان مورد تبعیت اقلیتهای آذری قرار گیرند و این با منافع دشمنان اسلام و مسلمانان جهان منافات و مغایرت دارد.

البته باید این نکته را دریافت که تلاش برای استخاله فرهنگی مسلمانان آذری بعد از تجزیه قفقاز و جدا شدن بخشی از آذری های مسلمان از خاک ایران طی جنگ های طولانی روسیه و ایران، از رژیم های تزاری و کمونیستی دنبال شده است. یکی از مهمترین طرحهای رژیم شوروی سابق برای استخاله فرهنگی مسلمانان آذری قفقاز، تغییر الفبا از الفبای قرآنی به الفبای روسی بود. مسئولین دولت جمهوری آذربایجان نیز در همگرایی با دولت های غربی برای تغییر فرهنگ اسلامی و ملی آذربایجان و هضم و حل آن در فرهنگ غرب، بار دیگر الفبای این کشور را به الفبای لاتین تغییر دادند و بدین گونه گام دیگری در راستای استخاله فرهنگی بخشی از اقلیت های آذری جهان در فرهنگ بیگانه گرایی انجام داده اند.

همان گونه که گذشت، حلّ و هضم فرهنگ اسلامی آذربایجان فرهنگ های مسیحی و بیگانه، مقدمه و بستر استحاله دینی اقلیت های آذری در کشورهای مانند آمریکا، جمهوری آذربایجان و سایر کشورها بوده است.

اگر امروز شاهد هستیم که تشکل های و دستگاه های تبلیغاتی مسیحیت در جمهوری آذربایجان، روسیه، آلمان و سایر کشورها، آذربایجان مسلمان را به صورت مستقیم به تغییر دین فرا می خوانند، حاکی از پیشرفت آنها در اجرای طرح های مختلف استحاله فرهنگی است. یک نکته مهم را نیز باید به خاطر آورد و آن اینکه تغییر دین و تغییر فرهنگ دینی، مقدمه تغییرات مختلف فرهنگی از جمله تغییر زبان، ملیت و تاریخ انسانهاست. مهمترین عنصری که در مقابل استحاله فرهنگی می تواند مقاومت کند، دین است. وقتی فرهنگ سوزان بتواند پایه های عقاید دینی یک انسان را فرو ریزند، در حقیقت می توانند وی را برای هرگونه تغییر و پذیرش فرهنگ آداب و رسوم و حتی زبان بیگانه آماده کنند که در نهایت هدف استحاله گران فرهنگی از تغییر دین مسلمانان آذری می تواند از بین بردن هویت و منشاء قومی، ملی آنها نیز باشد.

رسمی کردن الفبای دنیای مسیحیت به جای الفبای دنیای اسلام در جمهوری آذربایجان و حاکمیت یک دولت لائیک بر این کشور و محروم ماندن اقلیت های مسلمان آذری در کشورهای مختلف جهان از آموزه ها و تعالیم اسلامی، پرورش یافتن فرزندان اقلیت های آذری در فضای فرهنگ و دین حاکم بر کشورهای مسیحی، همه و همه در راستای تضعیف و تغییر اعتقادات دینی و هویت ملی آذربایجان انجام می گیرد. در حقیقت، دین مقاوم ترین و محکم ترین سنگری است که می تواند از استحاله فرهنگی انسانها به شدت جلوگیری کرده و از نابودی عناصر اصیل و ارزشهای فرهنگی مانند روحیه جمعی، آزادگی، آداب و رسوم انسانی، کانون مقدس خانواده، سلامت اخلاقی اجتماع و حتی زبان و الفبا جلوگیری کند و اگر امروز این عناصر اصیل و ارزشمند در میان اکثریت آذربایجان، یعنی آذربایجان ایرانی حفظ شده و هویت فرهنگی آنان که جزء هویت اسلامی و ایرانی است، لطمه نخورده است، علت اصلی را باید در دیندار بودن آذری های ایرانی جستجو کرد. مثلاً درباره عنصر زبان ترکی آذربایجانی، این نکته بدیهی است که با وجود محدودیت های شدید فرهنگی و سیاسی امنیتی که در دوران رژیم پهلوی حاکم بود، اگر ادبیات و شعر عاشورا که بخشی از بازناب نهضت امام حسین (ع) است - نبود، بی گمان زبان ترکی آذری در ایران از رونق و رمق می افتاد. امروز بخش عظیمی از میراث ادبی و فرهنگی آذربایجان ایرانی که به زبان شیرین و فخیم ترکی آذری و زبان دلکش و شیوای فارسی است، پیرامون نهضت حضرت سیدالشهدا (ع) و مناقب و مرثیاتی اهل بیت می باشد. در وضعیت کنونی مسلمانان آذری جهان، این حق طبیعی اکثریت آذربایجان یعنی آذربایجان ایرانی است که در مقابل تحکات و فعالیت های گسترده ای که برای تغییر فرهنگ و هویت و دین اقلیت های آذری در سراسر جهان و حل و هضم آذربایجان در فرهنگ مسیحیت و ادیان و مکاتب بیگانه جدا کردن آنها از اسلام صورت می گیرد، واکنش نشان دهند. این واکنش باید واکنشی برنامه ریزی شده، سازمان یافته، مردمی و دراز مدت باشد.

منبع: گاهنامه تحقیقی، مطالعاتی آران – شماره دوم

عبداله رضایی؛ محقق و نویسنده استان آذربایجان شرقی